تحلیل نظری حسابرسی اجتماعی با تأکید بر دیدگاه ذینفعان

**چکیده**

**هدف**: از جمله موضوعات مورد توجه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، افشای اطلاعات اجتماعی شرکت‌هاست، تا به نوعی تضمین کننده منافع اجتماعی آن‌ها در فرآیند عملیاتی واحدهای تجاری باشد. بر این اساس با توجه به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بررسی روند فعالیت های صورت گرفته با مقررات و هنجارهای اخلاقی اجتماعی جاری موضوعی قابل توجه بوده که منجر به پدیدار شدن ایده حسابرسی اجتماعی شده است.

**رویکرد**: این پژوهش به معرفی و مرور نظریه های پیرامون درباره حسابرسی اجتماعی می‌پردازد.

**یافته‌ها**: تحلیل کلی موضوعات مطرح شده، نشان دهنده این موضوع است که عوامل محیطی و مقررات حاکم در کشورها به نحو مؤثری در روند اجرایی حسابرسی اجتماعی شرکت‌ها مؤثر بوده به نحوی که می‌تواند در میزان کارآیی و اثربخشی این فرایند و الزامات پاسخگویی شرکت‌ها در این حوزه مفید واقع شود تا با در نظر گرفتن پیامدهای مالی و غیرمالی آن، اهداف و منافع اقتصادی شرکت‌ها برنامه‌ریزی گردد.

**دانش‌افزایی**: این پژوهش با تبیین ادراکات ذینفعان درباره حسابرسی‌های اجتماعی و نظریه‌های مطرح پیرامون آن، به بررسی مفاهیم حوزه حسابرسی اجتماعی از دو مبحث شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی و نظریه‌های حسابداری پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** حسابرسی اجتماعی، شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی، مسئولیت پاسخگویی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها.

**کد طبقه‌بندی موضوعی:** H83، H55، M42، M14

**مقدمه**

اگرچه فرآیند عملیاتی شرکت‌ها، مؤسسات و واحدهای تجاری با اهداف منافع اقتصادی صورت می‌گیرد اما امروزه نمی‌توان تمام تصمیم‌گیری‌ها و تدوین خط‌مشی‌های شرکت‌ها را منوط به مناسبات اقتصادی دانست؛ زیرا به طور خاص عملکرد شرکت‌ها توسط اجتماع و انظار عمومی جامعه مورد نقد قرار می‌گیرد که در روند عملیاتی شرکت اثرگذار و قابل ملاحظه است. بنابراین این موضوع به طور خاص در برگیرنده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها***[[1]](#footnote-1)*** خواهد بود که با توجه به عواملی همچون رشد تجارت جهانی، اهمیت مسائل زیست محیطی و اجتماعی و نوع روابط بین مدیران و سرمایه‌گذاران، دولت و اجتماع، موضوع مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در طی سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت ]2[. مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ در زمره مفاهیم اخلاق کسب و کار بوده که به نقش شرکت درحوزه اجتماعی مربوط می‌شود. این مسئولیت، به عنوان یک نسبت به قالب جامعه، مطرح می‌شود که پیامدهای انجام فعالیت‌های آن، تنها منحصر به خود شرکت نخواهد بود. بر این اساس مسئولیت اجتماعی شرکت مجموعه‌ای از فعالیت‌های شرکت که نگرش و وجهه مثبت جامعه را در پی داشته باشد به نحوی که قوانین و مقررات، اخلاقیات، تجارت و انتظارات عمومی جامعه از کسب و کار برآورده شود ]8[.

از‌ آن‌جایی که خط‌مشی شرکت در قبال خود مسئولیت اجتماعی به عنوان یک مکانیزم داخلی، خود تنظیم شونده مطرح است، لذا نیاز است تا شرکت طی دوره‌های مختلف به صورت متناوب به انطباق فعالیت خود با مقررات موجود، هنجارهای اخلاقی و استانداردهای قابل قبول بین‌المللی بپردازد. در این راستا طی مقاطع زمانی مختلف، اندازه‌گیری، گزارش و انطباق فعالیت‌های شرکت با استانداردهای بین‌المللی و هنجارهای خود تنظیم شده لازم و ضروری است. این تلاش‌ها برای اندازه‌گیری، نظارت و ارزیابی کارایی غیرمالی واحد تجاری با توجه به اهداف و خط‌مشی‌های اجتماعی آن، منجر به پدیدار شدن ایده حسابرسی اجتماعی***[[2]](#footnote-2)*** شد ]1[.

حسابرسی اجتماعی، به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی شرکت، ارائه دهنده اطلاعاتی است تا در تصمیم‌گیری‌های مهم و راهبردی درون سازمانی و برون سازمانی استفاده شود. بنابراین، سازمان‌ها از حسابرسی‌های اجتماعی به عنوان یک استراتژی کاهش ریسک استفاده می‌کنند به طور کلی حسابرسی اجتماعی به بررسی شرایط کاری، سلامتی و ایمنی و ضعف‌های موجود در ارتباط با حقوق مصرف کننده و نیروی کار در اختیار یک شرکت و مقایسه آن‌ها با استانداردهای مورد قبول جوامع و هنجارهای اجتماعی انجام می‌شود ]7[. باتوجه به این‌که حسابرسی اجتماعی یک ابزار تصمیم‌گیری مهم برای ذینفعان به شمار می‌آید، کیفیت و هدف حسابرسی‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. اطلاعات مورد بررسی در گزارش‌های حسابرسی اجتماعی، ذینفعان را قادر خواهد ساخت تا در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی نگرش صحیح و مناسبی را نسبت به عملکرد شرکت اتخاذ کنند، به نحوی که این گزارش‌ها در ارتباط با موضوعاتی همچون برقراری یا معافیت برخی مالیات‌ها، جرائم یا صدور احکام قضایی، می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌ها برای نهادهای حاکمیتی و یا اجتماعی قرار گیرد.با این‌حال، کیفیت و هدف حسابرسی‌های اجتماعی می‌تواند متناسب با بروز برخی از رویدادها مورد سؤال، تعدیل یا اصلاح قرار گیرد. از جمله موضوع‌های مطرح در این‌باره، ‌ابهامات و پرسش‌های پیرامون یکپارچگی و حرفه‌ای بودن حسابرسی‌های اجتماعی است ]2[.

این پژوهش در تلاش است تا با تبیین ادراک‌های ذینفعان درباره حسابرسی‌های اجتماعی و نظریه‌های مطرح پیرامون حسابرسی اجتماعی در شرکت‌ها، به بررسی ارتباط مبهم بین تهیه کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسی اجتماعی پرداخته است. در ادامه با تبیین مفهوم حسابرسی اجتماعی، به کارکرد آن در فرآیند عملیاتی شرکت‌ها و اثرگذاری در روند تصمیم‌گیری ذینفعان و استفاده‌کنندگان پرداخته است. همچنین در ادامه با اشاره به شکاف قابل تبیین تفاوت دیدگاه‌ها بین انتظارات استفاده‌کنندگان و اطلاعات ارائه شده در حسابرسی اجتماعی، به موضوع شکاف انتظارات حسابرسی اجتماعی و ادراک‌های ذینفعان در این زمینه پرداخته شده است. بخش بعدی پژوهش با اشاره به مبانی نظری مفهوم مسئولیت پاسخگویی، به تشریح حسابرسی اجتماعی از منظر پاسخگویی پرداخته شده است. بخش پایانی پژوهش نیز با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مفهوم کلی حسابرسی اجتماعی، به نتیجه‌گیری کلی از تحلیل نظری حسابرسی اجتماعی پرداخته شده است.

**مفهوم حسابرسی اجتماعی و شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی**

از جمله معیارهای مطرح در ارتباط با توجیه خدمات و بازار حسابرسی، توجه به جدایی مالکیت و مدیریت واحدهای تجاری است که به نوعی در مبانی نظریه نمایدگی مطرح گردیده است تا فرایند حسابرسی با هدف اطمینان‌بخشی مطلوبیت صورت‌های مالی، کاهنده تنش‌ها و مشکلات نمایندگی تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و استفاده‌کنندگان آن باشد. اگرچه تهیه و گزارش حسابرسی‌های مالی می‌تواند گام مؤثری جهت شفافیت مالی و مرتفع کننده مسئولیت پاسخگویی عملکردی مالی شرکت‌ها و واحدهای تجاری باشد، اما انتشار گزارش‌های مقبول و مطلوب مالی، نمی‌تواند توجیه کننده ارزیابی فعالیت‌های اجتماعی شرکت‌ها باشد. در این راستا از جمله معیارهای مطرح نهادهای اجتماعی فعال با هدف حمایت از اقشار مختلف اجتماعی و تبیین آگاهی و شفافیت بیشتر عملکرد اجتماعی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد اجتماعی شرکت‌ها از طریق حسابرسی‌های اجتماعی است ]10[.

با تأکید بر این نکته که حسابرسی اجتماعی مفهومی به مراتب وسیعتر و جامعتر از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است، حسابرسی اجتماعی فرآیندی است مستقل که در آن تأثیر اقدام‌های انجام شده سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف در جامعه و مزایای اجتماعی را تعیین کرده و آن‌ها را اندازه‌گیری و گزارش می‌کند و تبیین کننده نوع خاصی از حسابرسی است، که نیازمند مهارت خاص و حسابرسان با صلاحیت دارد. به عبارت دیگر، حسابرسی اجتماعی به عنوان یک ابزار پاسخگویی اجتماعی، روش اندازه‌گیری عملکرد و تعهد شرکت‌ها در راستای تحقق اهداف و ارزش‌های مشترک اجتماعی است تا تأثیر رفتار غیرمالی شرکت‌ها ازطریق نظارت مستمر و منظم بر اساس دیدگاه‌های مختلف تمامی ذینفعان و مشارکت کنندگان شامل سهام‌داران، کارکنان، مشتریان، داوطلبان، تأمین‌کنندگان، پیمانکاران، عرضه کنندگان و عموم مردم تأمین شود ]5[.

اگرچه توجه به مسائل اجتماعی طی ادوار مختلف مطرح بوده است، اما تلاش‌های صورت گرفته برخی فعالان اجتماعی در ایالات متحده، در اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990، منجر به پیدایش فعالیت حسابرسی اجتماعی شد. اولین دیدگاه در حوزه حسابرسی اجتماعی، با توجه خط‌مشی‌های پزشکی، بیشتر مترکز بر سلامت جسمی کارکان و دوری از مواد مخدر توسط چارلز مدوار***[[3]](#footnote-3)*** مطرح شد، که در ادامه مفهوم حسابرسی اجتماعی با تغییر نگرش متفاوت به ایده اولیه، برای اطلاق به سیستم‌های حسابداری مدیریتی جهت بررسی کارکرد اجتماعی شرکت استفاده شد و بیشتر پژوهش‌های مرتبط در این حوزه با محوریت افشاگری‌های اجتماعی صورت گرفت. بر این اساس در طی دهه‌های گذشته مهمترین عنصر مسئولیت اجتماعی شرکت‌، افشاگری‌های محیطی و اجتماعی محسوب شده که از این رو بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حسابداری اجتماعی اساسا بر روی افشاگری‌های اطلاعات اجتماعی و محیطی متمرکز بوده است ]7[. با تغییرات ایجاد شده در سطوح مختلف روابط اقتصادی، از جمله مطرح شدن مسائل تجارت جهانی و آثار مختلف اجتماعی، موضوع گسترش فعالیت‌های تجاری و انتقال مبدا و مکان‌های تولید از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه، نگرانی‌هایی را از جانب ذینفعان و فعالان حوزه اجتماعی درباره شرایط کاری، مسائل ایمنی و سلامت مطرح شد. در چنین شرایطی، حسابرسی اجتماعی به عنوان ابزاری مهم برای سهامداران به منظور درک شرایط کاری و سایر مسائل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها استفاده می‌شود. با مطرح شدن این موضوع‌های از سوی سهامداران، شرکت‌ها تلاش کردند تا از طریق حسابرسی اجتماعی، شفافیت حسن نیت و پاسخگویی خود را نشان دهند که منجر به تعامل عمومی بیشتر در مسائل محیطی و اجتماعی شد ]9[.

حسابرسی اجتماعی اساسا با پیگیری و پیروی از استاندارد جهانی پاسخگویی اجتماعی***[[4]](#footnote-4)***انجام می‌شود که مسائلی از قبیل کودکان کار، جبران خسارت کارگران، تبعیض در دستمزد، کار اجباری، ساعات کاری، ایمنی و سلامتی، آزادی ارتباطات و اقدام‌های انضباطی را پوشش می‌دهد. با این حال، این استاندارد مسئولیت‌های شرکت‌ها را برای سایر سهامداران مانند محیط طبیعی، جوامع همجوار و گسترده‌تر، زنجیره تأمین، یا در واقع سرمایه‌گذاران یا سهامداران نهادی را بررسی نمی‌کند. به دلیل ناکافی بودن استانداردهای حسابرسی اجتماعی پذیرفته شده، حسابرسی اجتماعی ممکن است موفق به ادای پاسخگویی اجتماعی نشود، که منجر به شکاف انتظارات حسابرسی اجتماعی می‌شود ]5[.

اولین کاربرد اصطلاح شکاف انتظار***[[5]](#footnote-5)*** در منابع حسابرسی توسط لیگیگو***[[6]](#footnote-6)*** (1974) بود، که اگرچه ایده اصلی قبلا وجود داشته است. وی شکاف انتظار را به عنوان اختلاف بین سطوح کارایی عملکردی مورد انتظار حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تعریف می‌کند. به بیانی دیگر، آن‌چه به عنوان شکاف انتظار مطرح می‌شود عبارت است از این‌که آیا شکافی بین آنچه عموم استفاده‌کنندگان انتظار دارند یا نیاز دارند و آنچه حسابرسان می‌توانند و باید به طور معقول انجام دهند وجود دارد. به طور کلی، شکاف انتظار حسابرسی موضوعی مهم در ارتباط با حسابرسی‌های مستقل است و پیامدهای قابل توجهی در توسعه شیوه‌ها و استانداردهای حسابرسی دارد ]2[.

براساس آن‌چه بیان شد، شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی به عنوان شکاف بین آنچه استفاده‌کنندگان از حسابرسی اجتماعی انتظار دارند و اطلاعاتی که در واقع در یک حسابرسی اجتماعی ارائه می‌شود، قابل تبیین است. یک شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت‌های حسابرسی اجتماعی فکر می‌کنند آن‌ها در حال ارائه اطلاعات حسابرسی اجتماعی هستند، که در واقع این طور نباشند. به عبارت دیگر، اگر ترتیب نادرستی از انتظارات بین دو گروه استفاده‌کنندگان و حسابرسان وجود داشته باشد، شکاف انتظار وجود خواهد داشت. همچنین این امر ممکن است زمانی نمایان شود که شرکت‌های حسابرسی اجتماعی از آنچه گروه‌های استفاده‌کنندگان خاص می‌خواهند آگاه نیستند، یا به سادگی اهمیت زیادی به آن نمی‌دهند. از جمله دلایلی که می‌تواند منجر به پیدایش شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی شود عبارت است از؛ عدم استقلال ارائه دهنده، عدم الزام حقوقی، عدم تعهد به منافع عمومی، عدم صلاحیت فنی، به موقع و مرتبط بودن ارتباطات حسابرس، ماهیت کیفی داده‌های مورد استفاده در فرآیند حسابرسی اجتماعی، منافع رقابتی مختلف استفاده‌کنندگان، نبود راهبردها و دستورالعمل تعیین نوع روش‌های قابل استفاده در شرایط خاص و نبود مجموعه استانداردهای مورد قبول برای گزارشگری. در یک جمع‌بندی کلی، آن‌چه در ارتباط با تصورات شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی مطرح است شامل اختلاف بین آنچه استفاده‌کنندگان تقاضا می‌کنند و آنچه شرکت‌های حسابرسی اجتماعی درباره نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان در نظر می‌گیرند، است. علاوه بر این پیش‌بینی می‌شود که شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی ممکن است بین طیف‌های مختلف استفاده‌کنندگان متغیر باشد. چنین شکاف انتظاری احتمالا بدان معنی است که شرکت‌های حسابرسی اجتماعی ممکن است از اطلاعات مورد نیاز بخشی از استفاده‌کنندگان خاص غافل باشد ]6[.

**ادراک‌های ذینفعان و شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی**

از آن‌جایی که سازمان‌ها و نهادهاي عمومي غيردولتي، اتحادیه‌های کارگری، رسانه‌ها و اعضای جامعه مدنی، حسابرسی‌های اجتماعی را درک کردند که نقش قابل توجهی در بهبود شرایط کاری، حقوق اجتماعي و شهروندي یا حذف کودکان کار در شرکت‌ها ایفا نمی‌کنند. اکثر آن‌ها بر این باور بودند که حسابرسی‌های اجتماعی ظاهری و ناكارآمد بودند. گروه‌های ذینفع معتقدند که شركت‌هاي تجاري معتبر باید در قبال گزارش‌های حسابرسی اجتماعی پاسخگو باشند. از آنجایی که اين شركت‌ها قدرت قابل توجهی از نظر کنترل منابع قابل عرضه اجتماع دارند به نحوي که شركت‌ها و واحدهاي تجاري كوچك محلي در كشورهاي مختلف به آن‌ها وابسته هستند. بر اين اساس آن‌ها نمي‌توانند نسبت به گزارش حسابرسي شركت‌هايي كه به نوعي با آن‌ها در ارتباط هستند، بي‌تفاوت باشند، زيرا در صورتي كه افشا شود شركت‌هايي كه وظيفه تأمين مواد اوليه اين شركت‌ها را بر عهده داشته باشند و گزارش‌های رسانه‌اي به نوعي منتشر كننده گزارش نامطلوب اجتماعي باشد، روند عمليات آن‌ها نيز تحت تأثير قرار مي‌گيرد و پيامدهاي منفي عملكرد نامناسب شركت‌هاي ديگر دامنگير آن‌ها نيز خواهد شد. برخی ذینفعان در واقع بر این باورند که مشکلاتی در رویه‌های انجام یک حسابرسی اجتماعی وجود دارند ]8[. فقدان شفافیت و مسئولیت پذیری در بخشی از شرکت‌های حسابرسی اجتماعی وجود دارد.

به طور کلی عدم یکنواختی در انجام حسابرسی‌های اجتماعی و تفاوت‌ها و اختلاف‌های پیش آمده پیرامون محتوا و رویه‌های حسابرسی اجتماعی، پدیدآورنده شکاف انتظار بین متولیان و تهیه‌کندگان گزارش‌های حسابرسی اجتماعی و استفاده‌کنندگان این گزارش‌های است. با توجه به آن‌که تهیه کنندگان گزارش‌های، نگرش‌هاو گرایش‌های خاص خود را درباره محتوا و رویه‌های حسابرسی اجتماعی دارند. مجموعه مختلفی از دیدگاه‌ها در به کارگیری و تفسیر استانداردهای حسابرسی اجتماعی و برخی عدم صلاحیت‌ها باعث شده تا به اعتقاد برخی ذینفعان حسابرسی‌های اجتماعی از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نبوده و آگاهی لازم را فراهم نیاورد. این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد شکاف انتظار در حسابرسی اجتماعی می‌شود. براساس آن‌چه بیان شد، شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی به عنوان شکاف بین آنچه استفاده‌کنندگان از حسابرسی اجتماعی انتظار دارند و اطلاعاتی که در واقع در یک حسابرسی اجتماعی ارائه می‌شود، قابل تبیین است. برآیند کلی پژوهش‌های میدانی انجام شده در ارتباط با حسابرسی اجتماعی حاکی از آن است که از جمله موضوع‌های و موارد مؤثر بر روند رضایتمندی ذینفعان و شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی عبارت است از؛ اجراي قوانين و مقررات نظارتي و ضمانت اجراي آن، برخي روابط سياسي و هزينه‌هاي مرتبط با اين نوع روابط بر موارد نقض حقوق اجتماعي، روند رسيدگي نهادهای ذی‌ربط به اعتراضات و شکایت‌های مطرح در زمینه حسابرسی اجتماعی، عدم مسئوليت پذيري حسابرسان اجتماعي، عدم اهميت كافي براي عموم اجتماع البته بيشتر در جوامع در حال توسعه و توسعه نيافته، نقض حقوق كارگران و عدم اعتراض آن‌ها به دلايل فشار صاحبكار، عدم افشاي موارد نقض حقوق اجتماعی با فشار شركت‌ها در برخي موارد، نقائص موجود در قوانین و مقررات مربوطه و فعالیت شركت‌ها در بازارهای انحصاري ]6[.

با توجه به ‌آن‌چه بیان شد، برخی مدیران بر این باورند که گزارش حسابرسی اجتماعی شکلی از افشاگری شرکت است چرا که آن‌ها برخی از اطلاعات مهم درباره شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ را افشا می‌کند. بر مبنای این دیدگاه، مدیران شرکت می‌توانند بر مبنای جهت‌گیری‌های صحیح و مناسب به کاهش شکاف انتظار در حسابرسی اجتماعی کمک کنند. این در حالی است که رویکرد مقابل این نظریه، با تأکید بر این موضوع که شرکت به طور مستقیم اطلاعاتی در این گزارش‌های حسابرسی اجتماعی تولید نمی‌کند؛ نقش چندانی در این فرایند و کاهش شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی بین ذینفعان و تهیه‌کنندگان این گزارش‌های نمی‌تواننند ایفا کنند. جهت‌گیری این دیدگاه، کاهش شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی را صرفا مبتنی بر مقررات موضوعه، استانداردها و رویه‌های مورد استفاده در روند حسابرسی اجتماعی می‌داند.

**حسابرسی اجتماعی از منظر نظریه‌های حسابداری**

در طول سال‌ها، پژوهشگران حسابداری اجتماعی از نظریه‌های مختلفی برای تشریح شیوه‌های افشای محیطی و اجتماعی استفاده کردند. دیگان ]4[ با اشاره به این موضوع که دیدگاه اثباتی***[[7]](#footnote-7)***، اظهاری درباره آنچه که هست ارائه می‌دهد و حاوی هیچ نشانه‌ای از تایید یا عدم تایید نیست، به عبارتی دیدگاه اثباتی بدون تایید یا رد موضوع، با مشاهده آن‌چه که هست به تبیین الگوهای منظمو ارائه تفاسیر مشخص برای چنین الگوهایی است.در حالیکه دیدگاه هنجاری***[[8]](#footnote-8)***بیانگر قضاوت و ارزیابی بر اساس آنچه که باید باشد بوده و درباره این‌که آیا یک وضعیت مطلوب است یا نامطلوب اظهارنظر می‌کند.دیدگاه هنجاری به مطرح ساختن این موضوع می‌پردازد که چه چیزی باید باشد.برای نمونه از دیدگاه هنجاری، اقدام‌های افشاگرانه شرکت، می‌بایست بدون توجه به تهدیدات احتمالی پیرامون افشاگری عملکرد، مبتنی بر پایه باورها و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان در ارتباط با عملکرد اجتماعی شرکت، باشد. دیگان با اشاره به برخی از پژوهش‌های انجام شده پیرامون حسابداری اجتماعی، حسابرسی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، اشاره به این موضوع نیز دارد که پژوهش‌های قبلی انجام شده پیرامون حسابرسی اجتماعی و شکاف انتظار حسابرسی اجتماعی از پارادایم نظری خاصی پیروی نمی‌کند. با این حال وی با استفاده نظریه مشروعیت***[[9]](#footnote-9)***، به نوعی به تشریح دلایل حسابرسی اجتماعی پرداخت.وی با طرح موضوع خطر از بین رفتن موقعیت شرکت، به توجیه رفتار مدیران از طریق انجام اقدام‌های پیشگیرانه و داوطلبانه برای ارائه اطلاعات و رسیدگی به موضوع عملکرد اجتماعی می‌پردازد و در این راستا اساس فرض‌ خود‌ را‌ بر این پایـه مبتنـی می‌سازد که اگر مشروعیت شرکت دستخوش تهدید قرار گیرد به‌ ارزشی‌ را برای شهرت شرکت در نظر گرفته شده از طریق انتظارات و نگرش جامعه به شرکت ممکن است دستخوش تغییر و تنزل قرار گیرد.

از سویی دیگر با توجه به دیدگاه هنجاری، از منظر نظریه مسئولیت پاسخگویی***[[10]](#footnote-10)*** فرآیند حسابرسی اجتماعی باید فراهم آورنده اطلاعاتی باشد تا استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌شان مورد استفاده قرار دهند. برای نمونه، شرکت‌های خرید فراملیتی***[[11]](#footnote-11)*** از این اطلاعات برای انتخاب شرکت‌های تأمین کننده استفاده می‌کنند، زیرا آن‌ها در قبال تأمین ورود مواد خام در فرآیند تولید خود و این‌که از چه شرکت‌هایی تهیه می‌شود، مسئول هستند.از آن‌جایی که مفهوم مسئولیت پاسخگویی شامل مجموعه گزارش عملیات سازمان‌ها و شرکت‌ها، بر اساس روابط تعریف شده پاسخگو و پاسخ‌خواه است؛ لذا فراهم کردن این اطلاعات در روند پاسخگویی اجتماعی مبتنی بر عملکرد شرکت‌ها با کارکنان، مشتریان، عرضه کنندگان، دولت، نهادهای اجتماعی و سایر اقشار اجتماع صورت می‌گیرد.مفهوم مسئولیت پاسخگویی اگرچه به طور معمول در منابع مختلف حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما با تغییرات و نگرش‌های مطرح در زمینه جامعه شناختی، این مسئولیت برای شرکت‌ها از منظر اجتماع و ارائه دلایل رفتاری شرکت‌ها و تشریح و توجیه آن به منظور ارائه رفتار قابل فهم و برای جلوگیری از تناقض‌های ناشی از شکاف‌ بین عملکرد و انتظارات ضمنی یا صریح، در زمینه عملکرد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است تا شرکت‌ها بر اساس گزارش‌های مالی و رسیدگی‌های مدنظر در این زمینه، به نوعی ایفای نقش پاسخگویی خود بپردازند ]3[.

بنابراین با توجه به آن‌چه بیان شد، با توجه به مفهوم نوین پاسخگویی، که آنرا چیزی فراتر از یک مسئولیت می‌داند و ارائه یک گزارش می‌داند، پاسخگویی اجتماعی دربرگیرنده بخش اعظمی از پیامدهای خواسته یا ناخواسته غیرمالی همچون اخلاقی، اجتماعی و محیطی بوده که به نوعی اهداف اقتصادی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا بر اساس این پارادایم نظری، اطلاعات موجود در گزارش‌های حسابرسی اجتماعی می‌تواند برای تمامی شخصیت‌های حقوقی فعال در زنجیره تأمین مواد و کالا در برگیرنده مسئولیت پاسخگویی باشد و انتظار می‌رود شرکت‌های خرید فراملیتی، اقدام‌های عملی شرکت‌های مرتبط با فرایند خود را به خوبی و با در نظر گرفتن تمامی جوانب حسابداری اجتماعی و پاسخگویی مسئولیت اجتماعی آن مورد توجه قرار دهند ]6[.

**خلاصه و جمع‌بندی**

از جمله موضوع‌های مورد توجه ذینفعان و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، افشای اطلاعات اجتماعی شرکت‌هاست، تا به نوعی تضمین کننده منافع اجتماعی آن‌ها در فرآیند عملیاتی واحدهای تجاری باشد. پاسخگویی در این حوزه با توجه به نقش مؤثر در رعایت حقوق شهروندان، کارکنان، محیط زیست، اجتماع و دولت، از موارد مورد نهادهای اجتماعی است، به نظر ان‌ها مرتفع کننده سطح آسیب‌های اجتماعی جوامع است. بر این اساس شرکت‌های بزرگ با توجه به آثار و پیامدهای اجتماعی فعالیت‌های عملیاتی آن‌ها، در قبال مسئولیت اجتماعی خود به عنوان یک مکانیزم داخلی، طی دوره‌های مختلف به انطباق فعالیت خود با مقررات موجود، هنجارها و استانداردهای قابل قبول بین‌المللی می‌پردازند، که این تلاش‌ها برای اندازه‌گیری، نظارت و ارزیابی کارایی غیرمالی واحد تجاری با توجه به اهداف و خط‌مشی‌های اجتماعی آن، منجر به پدیدار شدن ایده حسابرسی اجتماعی شده است.

به طور کلی، با توجه به تفاوت رویکردی حسابرسی اجتماعی با سایر انواع حسابرسی، به عنوان یک فرایند متمرکز بر اندازه‌گیری، درک و بهبود عملکرد اجتماعی و فعالیت‌های غیرمالی شرکت‌ها و واحدهای تجاری مطرح است، تا به عنوان مکانیسم ارزیابی فرایند تولید داخلی شرکت‌ها بتواند منجر به روند پاسخگویی عملکرد اجتماعی آن‌ها در برابر ذینفعان و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی یاری رساند. بنابراین حسابرسی اجتماعی می‌تواند به عنوان ابزاری برای ارائه معیارهای حیاتی و ارزیابی صحیح تأثیر فعالیت‌های اقتصادی و عملیاتی شرکت‌ها بر رفاه اجتماعی شهروندان، ارزیابی هزینه‌های اجتماعی و مزایای اجتماعی مطرح گردد، تا با انتشار گزارش‌های مرتبط با آن و در اختیار گرفتن برای همه افراد و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جامعه از جمله دولت، رسانه‌ها اتحادیه‌های کارگری، نهادهای خودگردان اجتماعی و فعالان حوزه مدنی به تحقق اهدافی همچون نظارت بر آثار اجتماعی، اخلاقی و عملکرد شرکت‌ها، مبنایی برای پاسخگویی استراتژیک اجتماعی، بهبود عملکرد اجتماعی و تسهیل مدیریت آثار اجتماعی متقابل شرکت‌ها و جوامع منجر شود. با این حال بررسی مفهوم عملیاتی حسابرسی‌های اجتماعی، نشان دهنده عدم هماهنگی بین انتظارات ذینفعان مختلف و محتوای اطلاعاتی گزارش‌های حسابرسی اجتماعی است که در نتیجه منجر به نوعی شکاف انتظار بین ارائه کنندگان و استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابرسی اجتماعی شده است. این موضوع می‌تواند ریشه در عواملی همچون قوانين و مقررات نظارتي و ضمانت اجراي آن، برخي روابط سياسي، عدم مسئوليت پذيري حسابرسان اجتماعي، عدم اهميت كافي براي عموم اجتماع، عدم افشاي موارد نقض حقوق اجتماعی با فشار شركت‌ها در برخي موارد داشته باشد. لذا با درنظر گرفتن همه این عوامل، می‌توان استدلال کرد که مسئولیت پذیری ضعیفی از سوی ارائه کنندگان، واحدهای تجاری بزرگ، مؤسسات حسابرسی اجتماعی و نهادهای نظارتی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، وجود دارد، به نحوی که در بسیاری از موارد این کوتاهی‌ها منجر به بروز حوادث کارگاهی و ناهنجاری‌های اجتماعی گردیده است. بنابراین با در نظر گرفتن مفهوم مسئولیت پاسخگویی، پاسخگویی اجتماعی دربرگیرنده بخش اعظمی از پیامدهای خواسته یا ناخواسته غیرمالی است که به نوعی می‌تواند اهداف اقتصادی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا بر اساس این پارادایم نظری، اطلاعات موجود در گزارش‌های حسابرسی اجتماعی می‌تواند برای تمامی شخصیت‌های حقوقی فعال در زنجیره تأمین مواد و کالا در برگیرنده مسئولیت پاسخگویی باشد و انتظار می‌رود شرکت‌های خرید فراملیتی، اقدام‌های عملی شرکت‌های مرتبط با فرایند خود را به خوبی و با در نظر گرفتن تمامی جوانب حسابداری اجتماعی و پاسخگویی مسئولیت اجتماعی آن مورد توجه قرار دهند.

**منابع و مأخذ**

1. Augusto, L. (2017). Corporate Social Responsibility in Portuguese Companies: Online Communication Practices. *Journal of Developments in Corporate Governance and Responsibility*. Vol. 11, No. 16, Pp: 157-183.
2. Bhardwaj, P. and Chatterjee, P. and Demir, K. D. and Turut, O. (2018). When and how is Corporate Social Responsibility Profitable? *Journal of Business Research*. Vol. 48, Pp: 206-219.
3. David, C. and Marie, L. (2016). Accountability and Social Responsibility: International Perspectives. *Journal of Developments in Corporate Governance and Responsibility*. Vol.9, No: 11, Pp: 101-123.
4. Deegan, C. (2011). *Financial Accounting* *Theory* (3rd ed., reprint). Sydney: McGraw Hill Australia Pty Ltd.
5. Gray, R. (2013). A strategic Approach to Social Impact Measurement of Social Enterprises: The SIMPLE Methodology. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*. Vol. 10, No. 3, Pp: 325-364.
6. Hossain, M. T. and Akter, A. and Li, X. (2017). Corporate Governance and Corporate Social Disclosures: a Meta Analytical Review. *International Journal of Accounting & Information Management*. Vol. 25, No. 4, Pp: 434-458.
7. Kamal, Y. (2018) .Stakeholders’ Perceptions of Social Audit in Bangladesh. *Advances in Environmental Accounting* *Management*. Vol. 7, Pp: 5-29.
8. Monika, K. and Joshi, M. and Singh, G. and Kansal, B. (2014). Determinants of Corporate Social Responsibility Disclosures: Evidence from India. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*. Vol. 30, No. 1, Pp: 217-229.
9. Parker, L. D. (2005). Social and Environmental Accountability Research: A View from the Commentary Box. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*. Vol. 18, No. 6, Pp: 842-860.
10. Tan, J. (2010). Grounded Theory in Practice: Issues and Discussion for New Qualitative Researchers. *Journal of Documentation*. Vol. 66, No. 1, Pp: 93-112.

Theoretical Analysis of Social Audit with Emphasis on Stakeholder Perspectives

**Abstract**

**Purpose**: Including topics for users of financial statements, disclosure of corporate social information, as a kind of provider of their social benefits in the business operation process. Accordingly, to corporate responsibility social (CRS), review of the process of activities carried out with social norms is a significant subject that has led to the emergence of the idea of social auditing.

**Approach**: This research seeks to introduce and review theories about social auditing.

**Findings**: The analysis shows that the environmental factors and regulations in the countries effectively affect the process of implementation of corporate social auditing and can be effective in the efficiency and effectiveness of this process and the requirements of corporate accountability in order to take into account its financial and non-financial consequences, Goals and economic interests of companies are planned.

**Practical Implications**: This study, by explaining stakeholders' perceptions about social audits and its theories around it, examines the concepts of social auditing from two sections of the social audit expectation gap and accounting theories.

**Keywords**: Social Audit, Social Audit Expectation Gap, Accountability, Corporate Responsibility Social (CRS)

**JEL**: H83, H55, M42, M14

1. . Corporate Responsibility Social (CRS) [↑](#footnote-ref-1)
2. . Social Auditing [↑](#footnote-ref-2)
3. . Charles Medawar [↑](#footnote-ref-3)
4. . Global Standard for Social Accountability (SA 8000) [↑](#footnote-ref-4)
5. . Expectation Gap [↑](#footnote-ref-5)
6. . Liggio [↑](#footnote-ref-6)
7. . Positive Approach [↑](#footnote-ref-7)
8. . Normative Perspective [↑](#footnote-ref-8)
9. . Legitimacy Theory [↑](#footnote-ref-9)
10. . Accountability Theory [↑](#footnote-ref-10)
11. . Multinational Buying Companies [↑](#footnote-ref-11)